

ایران و پرشیا در گذر زمان

خاطره‌ای کمتر گفته‌شده از تختی
پهلوانی از دل مردم



مستندی از کوچ ناگزیر
زرتشتیان



بیستم دی‌ماه، ایران بی امیر

ثبت جهانی شب چله نافر جام ماند

چهره‌ی مسیح در
سروده‌های ایرانیان

«دینگرد»
از نگاه «فضیلت»

«مانداگاران» دژی
۶۰۰۰ ساله در مرند

شادی از چشمه‌ی
دادگری می جوشد

سخن نخست

عربی، در شیخ‌نشین شارجه. این شده واقعبت امروز آن سوی این خلیج فارس. اسماعیل کهرم، استاد محیط‌زیست از کارشناسانی است که بر این باور است: آنچه درباری خاک رخ می‌دهد، قاجاق نیست بلکه صورت خاک است. او به روزنامه‌ی همشهری می‌گوید: «در بلوچستان ایران در شهر نوبندیان، دهها بولدوزر و صدها کامیون خاک این مملکت را برده، سوار لنج می‌کنند و به صورت علنی می‌فروشند. اقدامی که به صورت علنی انجام شود، دیگر قاجاق نیست. خاک کشاورزی ۳۰ سانتی‌متر عمق دارد و دارای انواع موجودات است. زیر این خاک سنگ مارن وجود دارد که هیچ خاصیت کشاورزی ندارد و گیاهی در آن سبز نمی‌شود. سودجویان آن خاک کشاورزی را برداشته و مارن را باقی می‌گذارند.»

مدیرکل دفتر آب‌وخاک سازمان محیط‌زیست در این باره به رسانه‌ها می‌گوید: «۱۸ سال است که قاجاق خاک وطن آغاز شده و هنوز نیز ادامه دارد.» وی افزود: «مقصد این خاک‌های قاجاق‌شده کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و به ویژه امارات و قطر است. از این خاک‌ها در امارات برای ساخت جزایر مصنوعی و در قطر برای خشک کردن دریا استفاده می‌شود.» به گفته‌ی علی مریدی، مدیرکل دفتر آب و خاک سازمان محیط‌زیست، خاک کشاورزی و حاصل خیز کشور که بیشتر از استان‌های جنوبی از جمله استان فارس قاجاق می‌شود، صرف ساخت جزایر مصنوعی در امارات و خشک کردن دریا در قطر می‌شود. جزایری که به گفته‌ی کهرم با پول سرمایه‌داران اروپا و آمریکا در امارات ساخته می‌شوند.

* سرلشکر خلیان حسین خلعتبری

نویسنده فیروزه فردوی

«اگر ذره‌ای از خاک ایرانم به پوتین سرباز دشمن چسبیده باشد، آن را با خون خویش، در خاک ایران، خواهم شست»

به راستی درود به روان پاک‌شان که خاک میهن توتیای چشم‌شان بود و ذره‌ذره‌ی وجودشان. هشت سال جنگیدند، جان دادند، اسارت کشیدند مبادا ذره‌ای از خاک ایران به دست دشمن بیفتد. قاجاق واژه‌ای آشنا در این سرزمین است. سال‌هاست گوش‌مان به شنیدن انواع قاجاق‌های ریزودرشت قانونی و غیرقانونی عادت کرده است اما قاجاق خاک میهن هیچ چوری در فرهنگ میهن‌دوستی ما پذیرفتنی نیست. تاکنون برای میراث مینوی‌مان (معنوی‌مان) دندان تیز می‌کردند اکنون به

خاک وطن که رفت ...

خاک سرزمین‌مان چشم از دوخته‌اند. شگفتا ۱۸ سال است سودجویان در راستای پر کردن جیب خود و آباد کردن خانه‌ی همسایه خاک ما را می‌فروشند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. این گونه می‌نمایند که شیرینی دلارهای عربی به اندازه‌ای است که چشم مسوولان را نسبت به این فاجعه‌ی جبران‌نشده‌ی کور کرده است. در آن سوی خلیج فارس به‌ویژه در بخش‌هایی که روی ریگ شور یا ماسه‌هایی که تنها برخی گیاهان دریایی در آن می‌رویند، خانه‌هایی را می‌بینیم که باغچه‌هایی با خاک سیاه دارند و از روی داربست‌هایی که در باغچه‌هایشان درست کرده‌اند، تاک‌های انگور مرغوب و اصلاح‌نژادی‌شده‌ی فرانسوی و اسپانیایی را می‌توان دید. دانه‌های انگوری که لبخند می‌زنند. خاک ایرانی، انگور فرانسوی در خانه‌ای

خوانندگان گرمای امرداد، هرگونه نابه‌سامانی در پخش هفته‌نامه را از راه‌های زیر با ما در میان بگذارید:

تلفن: ۰۲۱۸۸۳۲۵۳۲۹-۳۱

شماره پیامگیر امرداد: ۱۰۰۰۰۸۸۳۲۵۳۲۱

شماره تلگرام و واتس‌آپ امرداد: ۰۹۱۹۸۰۴۰۵۹۳

جشنواره‌ای به سرخی انار

هر ساله صدها جشنواره و نمایشگاه در زمینه‌های گوناگون در تهران پایتخت کشورمان با شکوهی ویژه برگزار می‌شود، در درازای هفته‌ی گذشته نیز نمایندگان شهرستان پاره در دو نمایشگاه و جشنواره با شرکت خویش حضوری پویا داشتند و به گونه‌ای سفیران شادی، صلح و آشتی از سرزمین سرسبز اورامان بودند. در این آیین‌ها افزون بر نمایش رسم و آیین منطقه، فرآورده‌های ارگانیک اورامانات را



فرهنگ از دنیا

در برابر دید بازدیدکنندگان گذاشتند. جشنواره‌ی انار اورامانات کرمانشاه در کاخ نیاوران آغاز هفته‌ی پایانی آذرماه بر پا بود. اجرای خنثی (موسیقی) سنتی، مراسم آیینی منطقه‌ی اورامانات و نمایش آداب‌ورسوم کهن کرمانشاهیان از برنامه‌های برجسته‌ی این جشنواره بود. پاره یکی از شهرستان‌های زیبای کرمانشاه است که به شوند (بعلت) جای گرفتن در ناهمواری‌ها تنها باغ‌داری آن رونق دارد. انار، انگور، گردو و توت از مهم‌ترین فرآورده‌های باغی این بخش است. سالانه حدود ۳ هزار تن انار از باغ‌های پاره به بازار می‌رسد.



فرهنگ از دنیا

درس و مشق با طعم سرما

دانش‌آموزان روستای لالی کشته از توابع بخش جازموربان شهرستان رودبار جنوب در استان کرمان در وضعیتی نامناسب سرگرم تحصیل در این مدرسه کوچک کپری هستند. این مدارس فاقد وضعیت بهداشتی، گرمایشی، سرمایشی است. این در حالی است که وزیر آموزش‌وپرورش در سال گذشته وعده داده است که مدارس کپری از سراسر کشور برچیده خواهد شد. اکنون دهها مدرسه‌ی کپری در

استان کرمان وجود دارد. در نوشته‌ی روی کپر چنین آمده است: خیرین محترم: ما دانش‌آموزان روستای لالی کشته از توابع بخش جازموربان شهرستان رودبار جنوب دبستان خیرین، هنوز در کپر درس می‌خوانیم. با وجود توفان‌های شدید و سرمای خشک و استخوان‌سوز شرایط سختی را سپری می‌کنیم. خواهشی که از شما داریم این است که برای ما مدرسه‌ای بنا کنید تا مثل همه‌ی بچه‌های ایران حق ادامه تحصیل داشته باشیم به امید اینکه روزی مثل شما به کشور عزیزمان ایران خدمت کنیم.



زن به ظن تاریخ؛ نمایش حضور زنان در تاریخ ایران

نمایشگاه «زن به ظن تاریخ» با نمایش ۹۰ اثری (باز) تاریخی در گنج‌خانه‌ی (هموزه) گرمابه‌ی پهنه سمنان بر پا شده است. در این نمایشگاه بیش از ۹۰ آفرینه از دوره‌های گوناگون تاریخی درباره‌ی زنان گردآوری و به نمایش گذاشته شده است. تندیس ایزد بانوان دوره‌ی ایلامی و سکه‌هایی با نقش بانوان به عنوان

شه‌بانو و پادشاه مربوط به دوره‌های تاریخی و اسلامی از جاذبه‌های ویژه‌ی این نمایشگاه است. در این نمایشگاه همچنین ظرف‌هایی با جنس‌های گوناگونی مانند سفال و سرامیک و حتا چوب با نقش زنان به نمایش گذاشته شده است. در این نمایشگاه آفرینه‌هایی مانند زیورات مربوط به محوطه‌های

تاریخی مانند تپه حصار دامغان، خزند و فیسک و به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه تا ۱۴ دی ماه ۱۳۹۷ خورشیدی بر پا است و دستارداران می‌توانند از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۲:۳۰ و عصرها از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۹:۳۰ از این نمایشگاه بازدید کنند.

یادداشت

دولت روحانی پاسخ دهد.

لایحه‌ی همه پرسى محلی؛ تقویت هم‌بستگی یا تجزیه‌ی کشور!

نویسنده **میرمهرداد میرسنجرى**
زمزمه‌های تدوین لایحه‌ی همه‌پرسی محلی، هم‌زمان با هفتاد و دومین سالگرد نجات آذربایجان از چنگال اشغال مزدوران شوروی، نگرانی‌های بسیاری را میان ایرانیان آگاه ایجاد کرده است. به راستی تجربه‌ی تلخ جداسازی بحرین از ایران با یک همه‌پرسی غیرقانونی محلی بسنده نبوده که این بار دولت جناب روحانی قانونی شدن همه‌پرسی محلی را برای همه‌ی مناطق ایران تجویز کرده است؟
آیا در برابر حجم بزرگ دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه و گسل‌سازانه‌ی زبانی-قومی در کشور، دادن حق همه‌پرسی محلی در راستای کمک به هم‌بستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی ایران قابل‌ارزیابی است یا بیش از هر چیز تسهیل‌کننده‌ی خواست‌های تجزیه‌طلبانه‌ی محلی هر گوشه‌ی از کشور است؟ امروزه نیرنگ‌های جهانی علیه کشور، با تحركات آشکار فاشیسم قبیله‌گرای جدایی‌خواه همراه شده است که بر پایه‌ی آموزه‌های دیرین جریان‌های چپ و تورسیری‌هایی چون برنارد لویس انگلیسی و برنانشفر اسرائیلی، پشتیبانی مالی دشمنان منطقه‌ای ایران و پشتیبانی رسانه‌ای شبکه‌هایی چون بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال، تحركات و تبلیغات پرخرج و آشکار را علیه یکپارچگی سرزمینی ایران تدارک دیده‌اند. با آنکه، چند تن از چهره‌های رسانه‌ای ضدایرانی چون برخی آقا‌آزاده‌های تجزیه‌طلب مقیم خارج یا بی‌شرمی طرح پاره‌پاره کردن کشور به ایالت‌های فدرال محلی را ارایه می‌دهند تا به گمان خود، با تمرکززدایی، از انتخابات دولت مرکزی کاسته و به ایالت‌ها تفویض شود، آیا در میان‌نهان مساله‌ی حق همه‌پرسی محلی نمی‌تواند تسهیل‌گر نیت‌های شوم ایران بربادده تلقی شود؟

چرا با وجود تجربه‌ی بحرین، دولت با فراهم کردن لایحه‌ی قانونی کردن همه‌پرسی محلی، خطر پاره‌پاره‌شدن کشور را در آستان‌های مرزی که گروه‌ها و جریان‌های تجزیه‌طلب زبانی-قومی در آنجا نفوذ تبلیغاتی بسیاری دارند فراهم کرده است؟ تجربه‌ی بحرین می‌گوید که برای تعیین سرنوشت یکی از استان‌های ایران به نام استان چهاردهم بحرین، بدون نظرسنجی از همه‌ی ملت ایران، به آرای همه‌پرسی همان منطقه (همه‌پرسی قلابی از چند شیخ عرب، به جای مردم ایرانی‌تبار آن دیار) مراجعه شد و این‌گونه جدایی‌ی یکی از استان‌های ایران رقم خورد هرچند از دیدگاه بسیاری از متخصصان و حقوق‌دانان ایران‌اندیش، جدایی‌ی بحرین از ایران همچنان غیرقانونی و ناپذیرفتنی است چرا که:

۱. برای جدایی بحرین از ایران لایحه‌ی از سوی دولت وقت صادر نشده؛ ۲. برای جدایی بحرین به عنوان بخشی از ایران، هیچ طرحی از سوی مجلس شورای ملی تصویب نشده؛ ۳. هیچ توجیحی از سوی مقام نخست کشور (محمدرضا شاه پهلوی) برای جداسازی بحرین از ایران نوشته و امضا نشده؛ ۴. جدایی بحرین از ایران بی‌مراجع به نظرسنجی از همه‌ی ملت ایران صورت پذیرفت.

با آنکه فدرالیست‌ها، رقیبان و دشمنان منطقه‌ای ایران (عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری باکو)، جدایی‌خواهان پان‌ترک و پان‌عرب و جریان سومی، (رسانه‌ی آمدنیوز، تجزیه‌طلبان کردنها، چپ‌های جهان وطن و ...) افزون بر، اختلاف برخی دیدگاه‌های سیاسی، در انکار و تضعیف شناسه‌ی (هویت) فرهنگی و تاریخی ملت یگانه‌ی ایران، دشمنی با یکپارچگی ملی ایران و دامن زدن به اختلاف‌افکنی زبانی تیره‌های ایرانی (با نام ساختگی و نادرست اقوام) آرمانی یگانه را دنبال می‌کنند، دولت به جای پیشنهادهای طرح‌های نابخردانه که می‌توانند مورد بهره‌جویی جریان‌های قوم‌گرای جدایی‌طلب زبانی ایران‌سنج قرار گیرد، باید برای حفظ یکپارچگی ملت یگانه‌ی ایران بکوشد. شوربختانه برخی نمایندگان مجلس نیز، افزون بر یادآوری‌های چندین باره‌ی دل‌سوزان ایران‌اندیش در پرهیز از «گسل‌سازی قومی» به دنبال بهره‌جویی از شکاف‌های زبانی-قومی برای نیل به آرمانی هستند که بی‌گمان به برآیندهای (نتایج) فاجعه‌آمیزی خواهد انجامید.

مونسان از پیگیری ثبت جهانی یلدا خبر داد

ثبت جهانی شب چله نافر جام ماند

بنابراین کوشش می‌کنیم با کشورهایی دیگر که ریشه‌های فارسی و نزدیکی‌های فرهنگی داریم، سراغ ثبت آیین‌های مشترک برویم. خوب است تا نشان دهیم که حوزه‌های فرهنگی ایران گستره داشته و چه اشتراکات فرهنگی با کشورهای دیگر دارد.

پاسداشت هویت ملی ایران فرهنگی در جشن شب چله

آیین باستانی جشن شب چله با رویکرد ملی و با عنوان «پاسداشت هویت ملی در ایران فرهنگی» در راستای حفظ یک‌پارچگی فرهنگی از سوی انجمن هم‌اندیشان فرهنگی با همکاری شماری از انجمن‌ها، نشریات و تشکل‌های مردمی، از جمله هفته‌نامه‌ی اسرءاء، هفته‌نامه‌ی وطن‌بولی، موسسه‌ی تاریخ سفاهی، معماری و شهرسازی اندیشه معاصر، موسسه مطالعاتی چهارباغ ایرانیان، انجمن پارسیگان ایران‌بوم و دیگر انجمن‌های همسو برگزار شد.

دکتر پورمجیدیان پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایرانی، در بخشی از سخنانش در این نشست با اشاره به پیشینه‌ی شب چله در ایران باستان گفت: مردم هر سرزمینی به فراخور اقلیمی که در آن می‌زند (زندگی می‌کنند) استوره‌ها و فرهنگ خود را می‌سازند. نیاکان ما آموختند که برای زیستن باید با تضادهای روبه‌رو شد. به باور نیاکان ما سرما و تاریکی مرگ و نیستی در پی دارد و گرما، با هم بودن و مهر ورزیدن زندگی‌بخش است.

وی افزود: همه‌ی جشن‌های ایران باستان به گونه‌ای پیام هم‌بستگی را در خود دارند. از نوروز گرفته تا سده، چله و دیگر آیین‌ها، شوربختانه سال‌ها است که ما از کنار این جشن‌ها به سادگی می‌گذریم و به چرایی پدید آمدن این جشن‌ها در فرهنگ ایرانی نمی‌اندیشیم. راز ماندگاری یک فرهنگ مشترک هم‌بستگی و همدلی مردم وابسته به آن فرهنگ است. نور، آتش و خورشید در فرهنگ ایران همواره نماد آگاهی، دانایی و تاریکی همیشه نماد ناآگاهی و نادانی بوده است و برایایی جشنی مانند شب چله و همراهی و هم‌آوری با خورشید برای گذران تاریکی نماد و نشان‌دهنده‌ی رسیدن به روشنی و آگاهی است.

این برنامه ۲۹ آذرماه ۱۳۹۷ خورشیدی، در تالار همایش‌های ستاد هم‌افزایی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران برگزار شد.



علی اصغر مونسان: یلدا نمادی برای آرایه‌ی پیام صلح و مهربانی است و امیدواریم با ثبت جهانی آن این پیام در تاریخ جهان ثبت شود. میراث ناملموس و آیین‌های مشترکی که با کشورهای همسایه داریم بیانگر نفوذ فرهنگی ایران است؛ این میراث مشترک نشان می‌دهد ملت‌های فارسی‌زبان همیشه در کنار هم بوده‌اند و خوش‌حالی که در حال ثبت این رویداد فرهنگی در فهرست میراث جهانی هستیم.

بر اخلاق پافشاری داشته‌اند نکته‌ای که در فریضه‌های الهی نیز بر آن پافشاری شده است؛ آمیخته شدن فرهنگ و دین از ارزش‌های این ملت است.

فرنسیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری افزود: یلدا به چه امید به روز روشن پس از شبی تاریک و سخت است، امید داریم که آینده‌ی کشور روشن است و وضعیت سخت پشت سر گذاشته خواهد شد. او افزود: «یلدا نقطه‌ی اوج مهرورزی ما است؛ خانواده‌ها در این درازترین شب سال به کتاب خواندن و آموختن می‌پردازند.»

مونسان در بخشی دیگر از سخنانش گفت: سازمان میراث فرهنگی تلاش می‌کند تا با آماده کردن پرونده «شب چله» آن را به ثبت جهانی آیین‌های مشترک جهانی تبدیل کند. او یادآور شد که آیین‌های ایرانی به گونه‌ای مشترک که پیشنهاد دهیم هر سال می‌توانیم شماری از این آیین‌ها را در یونسکو ثبت کنیم،

سخنرانی با نمایشگاهی از ظرف‌های ویژه‌ی شب یلدا در سازمان میراث‌فرهنگی است. مونسان در مراسم «یادمان یلدا» که با حضور نمایندگان و سفیرای کشورهای گوناگون، مسؤولان و مدیران سازمان میراث‌فرهنگی و استادان و صاحب‌نظران حوزه‌ی فرهنگ در کاخ نیواران برگزار شد، پس از تکرار ارزش میراث ناملموس یلدا برای ایرانیان و حاضران در برنامه ایراز امیدواری کرد که با مشارکت کشورهای همسایه و ثبت جهانی شب یلدا در فهرست میراث جهانی، مودت و مهرورزی در میان این کشورها افزایش پیدا کند.

مونسان افزود: یلدا نمادی برای آرایه‌ی پیام صلح و مهربانی است و امیدواریم با ثبت جهانی آن این پیام در تاریخ جهان ثبت شود. میراث ناملموس و آیین‌های مشترکی که با کشورهای همسایه داریم بیانگر نفوذ فرهنگی ایران است؛ این میراث مشترک نشان می‌دهد ملت‌های فارسی‌زبان همیشه در کنار هم بوده‌اند و خوش‌حالی که در حال ثبت این رویداد فرهنگی در فهرست میراث جهانی هستیم.

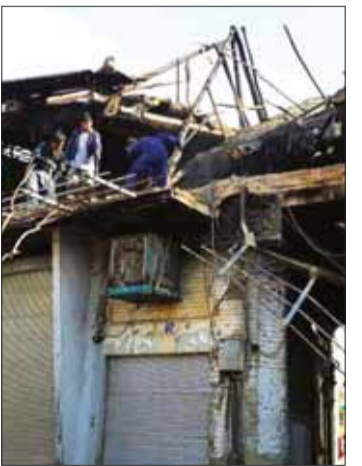
او یادآور شد که آیین‌های ایرانی به گونه‌ای مشترک که پیشنهاد دهیم هر سال می‌توانیم شماری از این آیین‌ها را در یونسکو ثبت کنیم،

حضور ایران در جهان باستان، نقد و بررسی می‌شود



این برنامه با همکاری نشر برس‌م و هفته‌نامه‌ی امراد برگزار می‌شود. دست‌نقداران می‌توانند برای باشندگی در این نشست دوشنبه، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۷ خورشیدی، ساعت ۱۶ به سرای اهل قلم به نشانی خیابان انقلاب، خیابان برداردان مظفر جنوبی، کوچه خواجه‌نصیر، پلاک ۲، طبقه‌ی همکف بروند.

بنگاه یزدگرد با زور پول ویران شد



داده است افزود: با وجود آنکه شهردار منطقه دستور داده بود که این سازه نباید ویران شود، گویا کارشناسان و دست‌اندرکاران ناحیه‌ی ۵ شهرداری منطقه‌ی ۱۲ دستور شهردار را جدی نگرفته و درصدد ویرانی برآمده‌اند. میراث‌فرهنگی ثبت اضطراری این سازه‌ی تاریخی را به شهرداری ارایه داده، ولی گویا زور پول از میراث‌فرهنگی بیشتر است.

• دکتر میرمهرداد میرسنجرى، استادیار دانشگاه و پژوهشگر فرهنگی و ژئوپلیتیک

رشت بیش از ۴/۵ سده‌ی پیش مرکز گیلان شد و در گذشته، مرکز نخستین استان ایران بوده است. با توجه به فرهنگ مردم آن و جای گرفتن در جاده‌ی ابریشم، از دیرباز به عنوان دروازه‌ی اروپا همواره به عنوان دروازه‌ی شهری گری (تمدن) نوین از آن یاد می‌شود. این شهر در سال ۲۰۱۵ میلادی به شبکه‌ی شهرهای خلاق جهان

به عنوان شهر خلاق خوراک‌شناسی زیر نظر یونسکو پیوست. رشت تنها شهر ایران به همراه ۱۸ شهر دیگر جهان است که در زمینه‌ی خوراک‌شناسی در یونسکو ثبت شد. از سال ۱۳۹۴ خورشیدی با کوشش‌های بی‌وقفه‌ی مردم و پشتیبانی شهرداری رشت، روز ۱۲ دی با عنوان روز رشت ثبت شد.

در گفت‌وگو با کارشناسان:

ایران و پرشیا در گذر زمان



باستان‌شناسی در جزیره‌ی هرمز، خلیج فارس است و فوق‌دکتر در رشته‌ی باستان‌شناسی خاوری را با رساله‌ی «پژوهش درباره‌ی رابطه‌ی یافته‌های باستان‌شناسی جزیره‌ی هرمز در خلیج‌فارس با گزارش‌ها و خاطرات جهان‌گردان اروپایی» پشت سر گذاشته است.

داریوش بختیاری در گفت‌وگو با امرداد یکی از انگیزه‌های کاربرد واژه‌ی پرشیا را چنین می‌داند که: «نخستین بار غرب به وسیله‌ی دولت یونان با ایران آشنا شد و از آن زمان واژه‌ی پارس و ماد در ذهن آن‌ها مانده، زیرا با پارس و ماد سروکار داشته‌اند، در عین حال که می‌دانستند اینجا سرزمین ایران است ... درسال ۱۹۳۵ وزارت خارجه ایران (البته نه پادشاه ایران که به غلط نوشته‌اند) به آگاهی رساند که: از این پس، ما از کشورهای اروپایی می‌خواهیم که همانند گذشته کلمه‌ی ایران را به کار برند و از کاربرد کلمه‌ی پرشیا (Persia) خودداری کنند و اروپایی‌ها این طور استنباط می‌کنند که درسال ۱۹۳۵ به دستور پادشاه ایران اسم ایران از پرشیا به ایران برگشت!»

بختیاری در ادامه می‌افزاید: «کم‌توجهی به قدری است که حتا ملکه‌تريا هم نوشته که شاه می‌گفتند: به من گفته شده که پدر من نام کشور را دگرگون کرد. این طور نبوده و نام کشور چیزی نیست که شخصی یک روزه دربارش تصمیم بگیرد. اما آن‌ها نمی‌خواهند بدانند که ۲۰۰۰ سال است که اشتباه می‌کنند. ما حق چنین درخواستی را داشتیم، همانند اینکه دولت مصر می‌تواند امروزه به دولت‌های دنیا بگوید این کشور ما "اچیبت" (Egypt) نیست، اینجا "مصر" است و یا یونانی‌ها بگویند که اینجا "گریک" (greek) نیست، به ما بگویند:

"هنا". اگر چنین شود ما حق داریم بگوییم که دولت یونان از سال ۲۰۰۵ نام کشورش را دگرگون کرده است. برای نمونه، دولت یونان می‌تواند در پاسخ بگوید که این شما هستید که دو هزار سال درباره‌ی ما اشتباه می‌کنید. همین طور مصر و همان‌طور که دولت ایران گفته است ... اگرچه این‌ها مسائلی کوچک به نظر می‌رسند، اما نمی‌خواهند توجه کنند. حتا بعضی از پروفسورهای عالی‌مقام ایرانی می‌گویند که بله این کار اشتباه بوده است!»

کارشناس دیگر ناصر تکمیل همایون، چهره‌ی شناخته‌شده‌ی حوزه‌ی جامعه‌شناسی است. او تاریخ‌نگار ایرانی و استاد پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۷ خورشیدی دوره‌ی کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی و کارشناسی ارشد علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران گذرانده و دوره‌ی دکترای تاریخ و دکترای جامعه‌شناسی را به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ در دانشگاه پاریس به پایان برده است. او به درستی بر این باور است: «ایران همیشه نامش برای ساکنان این سرزمین ایران بوده چه پیش از اسلام و چه پس از آن و در کتاب‌های جغرافیای ما همواره نام ایران برده شده است. در شاهنامه‌ی فردوسی نیز از ایران سخن‌ها آمده است.»

و در همین باره انگیزه‌ی به‌کارگیری پرشیا را این‌گونه می‌داند: «به باور من از آنجا که پارس بخشی از ایران بوده و پادشاهان ایران روزگاری در گستره‌ی پارس بر ایران فرمانروایی می‌کردند یونانی‌ها و رومی‌ها هنگام مناسبات سیاسی و رفت و آمدهای خود با ایران به دلیل

پهلوانی از دل مردم



تخصی بیس از خاطر می‌آورد شده این نگاره را گرفته است

پهلوانی و این بزرگ‌مرد کسی نیست جز جهان‌پهلوان غلامرضا تختی. به راستی پهلوانی به چه شکل به دست می‌آید؟

خاطره‌ای از این جوانمرد

روزی به سلمانی می‌روم، استادکار حضور نداشته است و شاگرد سلمانی درخواست دارد که افتخار کوتاه کردن سر پهلوان را داشته باشد که شوربختانه به خاطر کم‌تجربگی موهای آقاتختی را بد کوتاه می‌کند، جهان‌پهلوان به شاگرد سلمانی می‌گوید موهایم را از ته بزن، استاد سلمانی وقتی وارد مغازه می‌شود با یک برخورد تند شاگردش را مقصر می‌داند اما آقاتختی وارد ماجرا می‌شود و می‌گوید ایشان را دعوا نکنید من خودم خواستم موهایم را از ته بزند تا تقویت شود وگرنه ایشان آرایشگر قابلی هستند.

آبروی یک انسان را خریدن کار هر کسی نیست، اگر خودمان در این جایگاه باشیم و چنین چیزی در زندگی‌مان رخ دهد چه

نگاه مردم

امرداد چشم‌به‌راه دیدگاه‌ها، انتقادها و پیشنهادهای شما خوانندگان گرامی است.

مصدق پستی امرداد، تهران ۱۵۸۵۵/۱۴۴ شماره پیامگیر امرداد، ۱۰۰۰۰۰۸۸۲۵۳۳۱ شماره واتساب امرداد، ۰۹۱۹۸۰۴۰۵۹۳

با درود، نخست اینک هفته‌نامه‌ی امرداد در دل خوانندگانش جای دارد و بی‌گمان هر ایرانی دوستدار اشو زرتشت و تاریخ و فرهنگ شکوهمند ایران باستان تنها با یک بار خواندن آن دل‌بسته‌ی امرداد می‌شود. دوم اینکه به ششوند چاپ نوشتار بسیار ارزشمند درباره تاریخ زرتشتیان از موبد دکتر کورش نیکنام در شماری پیشین امرداد سیاست‌گذارم. با توجه به کوشش فراوان موبدان در پاسداری از فرهنگ ریشه‌دار و تاریخ پرنازش ایران باستان، انجام دادن گفت‌وگو با موبدان و چاپ نوشتارهای ایشان، باید یکی از خویش‌کاری‌های

بایسته‌ی امرداد باشد زیرا وزن هفته‌نامه را بالاتر می‌برد و برگزایی آن می‌افزاید. اسپاس - حبیب روزگار تان نیک، اسپاس که از موبد نیکنام در امرداد مطلب نوشتید بسیار خواندنی بود. با درود و سپاس به شما و خوانندگان فرهیخته‌ی امرداد خواهشمندم درمورد بزگمهر، وزیر برجسته و دانشمند انوشیروان دادگر نوشتاری چاپ و از کارها، فراست و اختراعات او درباره‌ی این سرزمین اهورایی به ما خوانندگان آگاهی دهید.

کمال حسن خانلو مستندات تاریخی است. همان‌گونه که در آغاز این گفتار گفتیم، دیگر کشورها همواره بر این سرزمین گرامی نام‌های گوناگونی نهاده‌اند که هر یک بی‌گمان انگیزه‌ها و راین‌های (دلیلی) گوناگونی را به همراه داشته‌اند؛ اما در این میان، چشم‌پوشی از نام ایران و پافشاری بر آن به‌ویژه به وسیله‌ی بیگانگان، گونه‌ای از نادانی سازمان‌دهی‌شده را بر هر اندیشمندی بازنمایی می‌کند که شایسته‌ی گشت و سازش نیست.

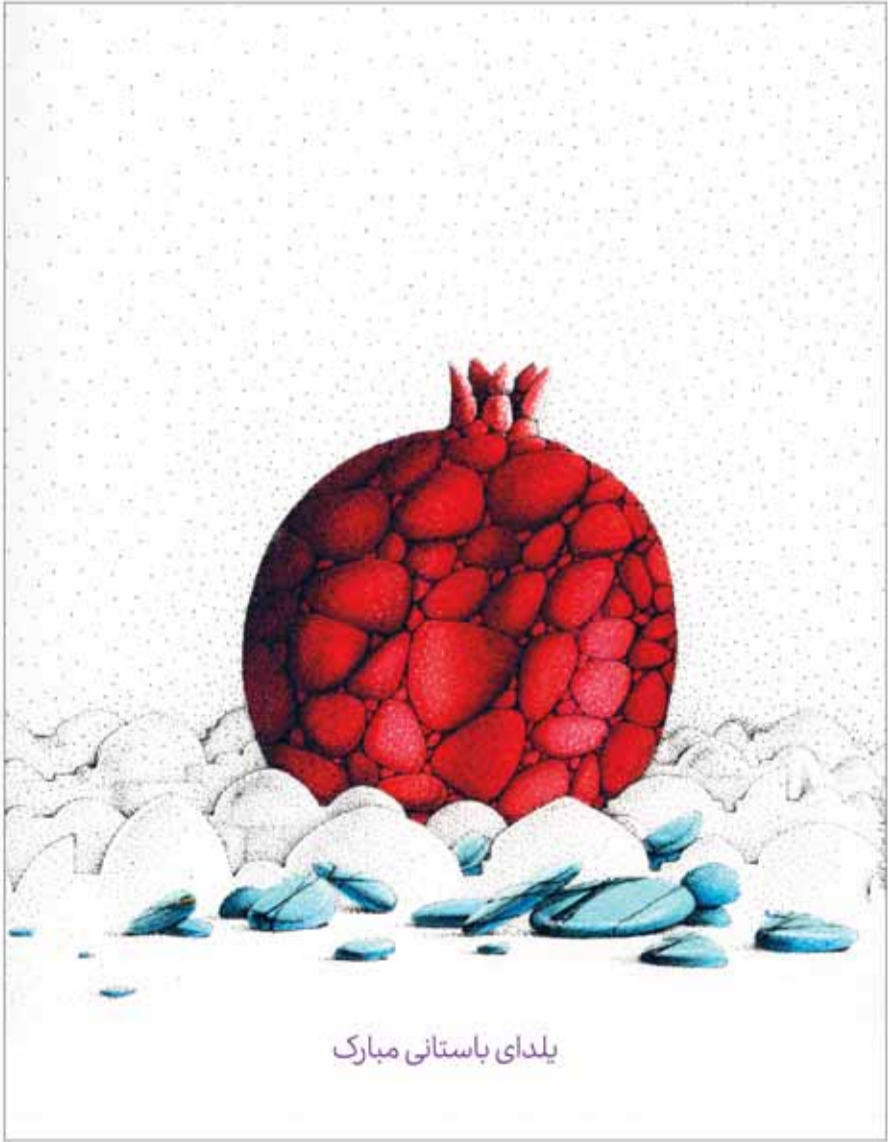
درد بر امرداد دوست‌داشتنی بابت افزایش بهای امرداد برای من که مهم نیست هر قدر هم گران بشود من باز هم مشتری هستم چون همه‌ی ما می‌دانیم شرایط اقتصادی ایجاب کرده است.

با درود، پنجم دی، سالروز درگذشت اشو زرتشت پیامبر نیک‌اندیش و نیک‌گفتار و نیک‌کردار ایرانی را بر دوستداران اشو

زرتشت آرامش‌باد می‌گویم. امید است هفته‌نامه‌ی امرداد ویژه‌نامه‌ی درباره‌ی اشو زرتشت چاپ نماید. من زمین‌شناسم. اهل آذربادگان نیستم ولی وقتی برای انجام دادن پایان‌نامه به آنجا سفر کردم مطمئن شدم که انتخاب این نام دور از فعالیت آتشفشانی گسترده‌ی آنجا نبوده است. آتشفشان ساری کم از یک الهه برابیم نیست (با پوزش از جناب سهند و سیلان) خلاصه آب و آتش این ملک بنا کردن. دشمن گرم

از مطالب شماره‌ی پیش بهره بردم اما وقتی هر ساله چندین جشن می‌گیرند در قونیه، وقتی من ایرانی دلم برای قونیه پر می‌زند از بس قشنگ تبلیغ کردند، آکادمی مولانا‌شناسی تاسیس کردند، رقص سماع را آموزش می‌دهند ... حق‌شان است به خدا. ما در ایران چه کار کردیم؟؟؟ من مولانا و شمس را از کتاب‌های ترک‌ها و غربی‌ها شناختم.

شبه یلدای باستان مبارک



یلدای باستانی مبارک

۰۲۱-۴۸۰۳۱۰۰۰
www.enbank.ir
eghtesadnovinbank
eghtesadnovin_bank

بانک اقتصادنوین
EN BANK
باهر، برای هم

تخت ابونصر (تخت مادر سلیمان)

کاخ ابونصر امروزه به چهره‌ی بازمانده‌ای از دوران باستان آرمه است. حصار سنگی، دیوارهای آجری، ساختمان‌های خشتی و آستانه‌های سنگی فروافتاده در شش کیلومتری خاور شیراز (استان فارس)، بر بالای یک تپه دیده می‌شود. تخت سلیمان در هنگام یورش تازیان به ایران، به پدر پیروزی (ابونصر) نامدار شد. شایسته‌ی

شنبه ۸ دی ۱۳۹۷ خورشیدی • گوش‌ایزد و دیماه ۳۷۵۶ زرتشتی • سال نوزدهم • ۸ رویه

تاریخ ایران

سرگذشت ایران (۵۹)

روزگار مادها

نویسنده

سوزنا فیروزی

می‌شود؛ دوم، داده‌های تاریخ‌نگاری خود ایرانیان است که از راه رونوشت کنسیاس، پزشک دربار اردشیر دوم و نسخه‌گرفتگان نوشته‌های کنسیاس برای امروزیان به یادگار مانده است؛ گونه‌ی سوم نیز، همان داده‌های هروdot است. برپایه‌ی هروdot، مادها، به یک‌باره با شه‌ریار شدن دیاوکو، پسر فرورتیش، به شه‌ریاری رسید‌اند و این کار از راه گرد‌همایی مردم هگمتانه در میدان شه‌ر بوده است، اما او هیچ گزارشی از پیشینه‌ی فرهنگی و تاریخی مادها که پیامدش، رو آوردن به چنین شیوه‌ای از گزینش فرمانروا بوده، نیآورده است. به دیگر سخن، گزارش هروdot دربار‌ی مادها نه از آغاز، بلکه ناقص و از میانه‌ی رخدادها قلم خورده است.

با سنجش سیاهه‌ی شه‌ریان مادر نوشته‌ی هروdot (دیاوکو، فرورتیش، کیاکسار یا هوخسترَ و آستیاسگ) با بیشتر دیگر سیاهه‌های گزارش‌شده به خوبی می‌توان دریافت که به راستی، گزارش هروdot از سرآغاز تاریخ این روزگار ایرانیان آغاز نشده و دیاوکو، نخستین شه‌ریار مادی بوده است، بلکه دودمان دیاوکو واپسین دودمان مادی چیره بر کشور ماد و بخشی از فلات و دیگر سرزمین‌ها برشمرده می‌شد.

تاریخ جهان

تاریخ یهود (بخش ۴۰)

نویسنده

اردلان کوزه‌گر

تاریخ یهود را تا آنجا خواندیم که پس از درگذشت سلیمان سرزمین یهودیان به دو پاره بخش گردید: یهودا و اسرائیل. طایفه یهودا به پادشاهی خاندان داوود وفادار ماندند و دیگر تیره‌های بنی‌اسرائیل پیرو یربعام شدند. پس از درگذشت یربعام، پسرش یاداب به پادشاهی اسرائیل رسید. آغاز پادشاهی او هم‌زمان با دومین سال پادشاهی آسا در یهودا بود. در کتاب یکم پادشاهان، ناداب نیز همانند پدرش یربعام برای دوری از خداوند و به گناه کشاندن اسرائیل نکوهش شده است. ناداب دو سال پادشاهی کرد و پس از آن با شورش مردی به نام «بعشا پسر اخیا» از تیروی «یساکار» روبه‌رو شد. بعشا توانست بر ناداب پیروز شود و او را از میان بردارد. سپس، او همه‌ی خاندان یربعام را کشت به گونه‌ای که هیچ کسی از این خاندان بر جای نماند. آن‌گاه خود بر تخت پادشاهی اسرائیل نشست.

به پادشاهی رسیدن بعشا، هم‌زمان با سومین سال فرمانروایی آسا بر یهودا بود. بعشا بیست و چهار سال پادشاه بود. ولی او نیز در حق خداوند گناه ورزید و چون خدا از او خشمگین شد وعده‌ی نابودی خاندانش را داد. پس از مرگ بعشا، پسرش «ایلعه» به جای او نشست. آغاز پادشاهی ایلعه برابر با بیست و ششمین سال فرمانروایی آسا بر یهودا بود. ایلعه یک سال پس از پادشاهی به دست یکی از سردارانش به نام «زمری» کشته شد. زمری خود را پادشاه خواند و دست به کشتار خاندان پیشین زد و همه‌ی آنان را میان برداشت. ولی زمری هم تنها هفت روز پادشاهی کرد، زیرا سربازان اسرائیل بر او شوریدند و سردار دیگری به نام «عمری» را پادشاه کردند. عمری کاخ پادشاهی در محاصره نمود، زمری که راه گریزی ندید کاخ را به آتش کشید و خود نیز در میان آتش سوخت و از میان رفت. با پادشاهی عمری، اسرائیل یک دوره‌ی نسبی ثبات را از سر گذارند. او هماوردان خویش را نابود کرد و دوازده سال پادشاهی نمود. از کارهای او ساخت شهر «سامره»

یاری‌نامه: کتاب مقدس فارسی

یادآوری است که مهرهایی در پیوند با پایان فرمانروایی ساسانیان و آغاز دوران اسلامی در این بخش یافت شده که دارنده‌ی نام شیراز است. برخی باستان‌شناسان برآن‌اند که نام شیراز برگرفته از نام دژی در پیرامون شیراز کنونی در بخش قصر ابونصر است. مجموعه بازمانده‌های تاریخی و باستانی ابونصر دست‌مایه‌ی داستان ارزنده‌ای

برگی از تاریخ نخبه‌کشی

نادانی شه گرفت دامان امیر



امیر کبیر، مشق و آموزش‌های ارتشیان و رسیدگی به جنگ‌افزارهای آنان و برکنشدن بزرگ‌مردان و همچنین کنار نهادن شغل‌ها و جایگاه‌های بیهوده در نظام سازمانی را پایه‌گذاری کرد. آیین بذل و بخشش شغل به دوستان و وابستگان را برانداخت. او برای فراهم‌آوری باروت ارتش، شماری کارگاه تولید باروت در کشور ساخت. مهمات‌سازی در زمان او رشد کرد و توپ‌ریزی و باروت‌سازی تبریز دوباره رواج یافت. پوشش ارتش بسامان و آراسته شد. به دستور او پوشاک سربازان از پارچه‌ی ایرانی می‌بود.

انگلیس در تهران، در نامه‌ای (۱۱ اوت ۱۸۴۹) به نایب‌السلطنه‌ی انگلیسی هندوستان می‌نویسد:

«مبلغی در حدود سیصد لیره برای شناختن جاسوسان امیر چه در تهران و چه در ولایات مورد نیاز هیئت نمایندگی است. تصور می‌شود صرف چنین مبلغی بجا و ضروری باشد.»

راه‌اندازی دارالفنون

بی‌گمان یکی از ماندگارترین دستاوردهای فرهنگی امیرکبیر در راستای پیشرفت کشور راه‌اندازی «دارالفنون» است. دارالفنون را می‌توان نخستین دانشگاه در تاریخ آموزش نوین ایران دانست.

اما تصور یک رویداد بسیار درآآور است! در روز گشایش دارالفنون، امیر خود در تبعید بود! دارالفنون در ۶ دی ۱۲۳۰ سیزده روز پیش از مرگ امیر کبیر و با حضور ناصرالدین‌شاه، صدراعظم جدید و گروهی از استادان ایرانی و اروپایی گشایش یافت.

نخستین دسته از استادان دارالفنون به سرپرستی پولاک، دو روز پس از تبعید امیر کبیر، به تهران رسیدند و با استقبال گرمی روبه‌رو نشدند!

برکناری و کشتن امیر

جایگاه امیرکبیر در دربار ناصرالدین‌شاه همواره انگیزه‌ی رشک‌ورزی نزدیکان شاه از جمله مهد علیا، اعتمادالدوله و میرزاآقاخان نوری بود؛چنان‌که کوشش‌های آنان سرانجام مایه‌ی فریب دادن شاه و فرمان برکناری امیر کبیر شد. گروهی از درباریان که او را رویاری خود می‌دیدند، به ناسزا او را در پی پادشاهی دانستند.

در ۲۰ آبان ۱۲۳۰ ناصرالدین‌شاه با فرستادن نامه‌ای به نزد امیر او را از جایگاه صدارت برکنار کرد: «چون صدارت عظمی و وزارت کبری زحمت زیاد دارد و تحمل این مشقت برای شما دشوار است شما را از آن کار معاف کردیم، باید به کمال اطمینان مشغول امارت نظام باشید.»

پس از درگیری‌ها و کشمکش‌هایی که در پی فتنه‌جویی درباریان آغاز شده بود امیر کبیر دستگیر می‌شود.

روز ۳۰ آبان، فردای دستگیری، امیر کبیر از همه‌ی جایگاه‌های دولتی خود برکنار شد و دو روز پس از آن همچون یک زندانی به کاشان فرستاده شد. این تبعید ۴۰ روز به درازا کشید.

از صادق هدایت با همین نام (تخت ابونصر) شد که نخستین بار در ۱۳۳۱ خورشیدی منتشر شد و بر پایه‌ی همین داستان در ۱۳۴۱ خورشیدی مجموعه‌ی تلویزیونی تخت ابونصر به کارگردانی مرتضی علوی ساخته شد. این جایگاه باستانی با نام «تخت سلیمان» در ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران جای گرفت.



29 Dec. 2018 • No. 403 • Vol. 18 • 8 Pages

به نغمه‌بانان دستور داده شده بود که با کمال احترام با او رفتار کنند.

اما دشمنانش همچنان این گمان را داشتند که امیر کبیر به انگیزه‌ی ویژگی‌ها و ارجمندی‌اش بخشیده خواهد شد و به جایگاهش بازخواهد گشت. پس کمر به کشتنش بستند!

«چاکر آستان ملانک پاسبان، فدوی خاص دولت ابد مدت، حاج‌علی‌خان پیش‌خدمت خاصه، فرانس‌باشی دربار سپهر اقتدار، مأمور است که به فین کاشان رفته، میرزاتقی‌خان فراهانی را راحت نماید؛ و در انجام این مأموریت بین‌الاقربان مفتخر و به مراحل خسروانی مستظهر بوده باشد.»

حاج‌علی‌خان فراش (خسروی) که بند بالا گفتار او است مأمور کشتن امیر شد و به سوی کاشان به راه افتاد. امیر خواست نزد همسرش وصیت کند، اما علی‌خان نپذیرفت.^۲ سرانجام امیر کبیر در ۲۰ دی ۱۲۳۰ خورشیدی در گرمابه‌ی فین کشته شد. رگ‌های دست و پاهایش را گشودند و پس از چندی خون‌ریزی علی‌خان فراش به میرغضب اشار‌های کرد. میرغضب با چکمه به میان دو کتف امیر کوپید و امیر جان سپرد.

روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه سه روز پس از کشته شدن امیرکبیر نوشت: «میرزاتقی‌خان احوال خوشی ندارد و صورت و پاهایش ورم کرده است!»

دو روز پس از آن در خبری کوچک نوشته شد: «میرزاتقی‌خان که سابقاً امیرنظام و شخص اول این دولت بود شب سه‌شنبه در کاشان وفات یافت.»

روسیه و انگلستان به شدت به کشتن امیرکبیر اعتراض کردند. وزیر خارجه انگلستان نامه‌ی تندی نوشت و حتا برای اطمینان از بازتاب درست آن، ترجمه‌اش را در لندن انجام داد. در این نامه آمده است:

«دولت انگلیس تفصیل این امر شنیع و وحشی‌منشانه را شنید… هر‌گاه پس از این قتل بی‌رحمانه مرحوم امیر، گناهان دیگر از این قبیل صدور یابند بر دولت انگلیس لازم خواهد بود که به دقت بپردازد آیا شایسته‌ی فخر تاج انگلیس و لایق حقوق مملکت آدمی‌منش انگلستان است که وزیرمختار آن مقیم مملکتی باشد که در آنجا مشاهده کند ارتکاب اموری را که آن قدر مضادم انسانیت باشد.»

وزارت خارجه روسیه نیز نامه‌ی اعتراضی را به دست کارگزار ایران داد که نوری را وادار به پاسخ نمود. تزار روسیه همچنین در دیدار سفیر بریتانیا مراتب «خشم و وحشت» خود را از «قتل وزیر فقید شاه» ابراز داشت و از شدت شگفتگی از این رویداد سخن شگفت‌انگیزی نیز به زبان آورد! «ایرانی‌ها چنان مردمی‌اند که نه قانون دارند و نه ایمان.»

آگاهی و بررسی قتل امیر کبیر در روزنامه‌های این کشورها نیز بازتابی گسترده داشته است. و اما نخست‌پیکر امیر را در کاشان، سپس با پافشاری همسرش در کرپلا به خاک سپردند. بر دیوار آرامگاهش در کاشان چنین نوشته‌اند: نادانی شه گرفت دامان امیر

تا نیستَر آمد به رگ جان امیر

بربست سعادت را به روی ما در

بگشود چو جوی خون ز شریان امیر

یادداشت‌ها:

۱- امیرکبیر و ایران، رویه‌ی ۱۹۷

۲- همان، ۷۲۵ تا ۷۳۰

یاری‌نامه‌ها:

امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، خوارزمی، ۱۳۶۲

امیرکبیر، آخگری در تاریکی، ناصر انقطاع، شرکت کتاب، ۱۳۸۸

کرماتی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان. منزّه ربعی. چاپ چهارم. تهران، ۱۳۸۶

قالاباشی دژی به سرسختی سنگ



دژ کاظم داشی یا سنگ کاظم‌خان در ۶۵ کیلومتری ارومیه و پنج کیلومتری خاور (شرق) روستای گورچین جای دارد. این دژ در گویش بومی به «قالاباشی» نامور است و در گذشته به نام‌های «قرخلار» و «قلعه‌یک‌دژ» خوانده می‌شده است. در این دژ بر جای مانده‌ی ساختمان‌های بسیاری از سنگ‌های بزرگ و تراشیده به چشم می‌خورد و روشن است در گذشته سازه‌ی باشکوهی بوده است. در این دژ آثار چاهی به درازای ۷ متر و دهانه‌ی ۵/۲ متر دیده می‌شود که در هنگام بارش باران و برف، آب مورد نیاز ساکنان در آن انباشته می‌شد. دژ کاظم داشی هنگامی که آب دریاچه‌ی

«امرداد» فراخوان می‌دهد

با هم ایران را بشناسیم

هفته‌نامه‌ی امرداد با آرمان شناساندن گنجینه‌های (جاذبه‌ها) و دیدنی‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی و گسترش گردشگری درون‌کشوری در نگر (نظر) دارد تا برترین خواستگاه‌های گردشگری ایران را بر پای‌های سنج‌هایی (معیارهایی) که در دنباله خواهد آمد به خوانندگان خود معرفی کند. در پایان

گسترش صنعت گردشگری هستند. این صنعت هم‌اکنون از صنعت‌های پیشرو در جهان است و همه‌ی کشورها بر سر جذب این سرمایه‌ی بزرگ هم‌اوردی (برقایی) تنگاتنگ دارند، ولی به این صنعت ولی در ایران بی‌مهری شده است و همدلی و هم‌اندیشی ملی در این راستا نیازی بایسته (ضروری) است. خوانندگان امرداد می‌توانند گزارشی کوتاه همراه با عکس از گنجینه‌های شهر یا استان خود را برای معرفی به هفته‌نامه‌ی امرداد بفرستند. عکس‌ها و گزارش خود را می‌توانید به شماره‌ی: ۰۹۱۹۸۰۴۰۵۹۳ تلگرام و واتس‌آپ یا به نشانی: sardabir.amordad@gmail.com بفرستید. گزارش‌ها و عکس‌های شما در هفته‌نامه و تارنمای امرداد منتشر خواهد شد. در پایان سال با دیدگاه‌سنجی از خوانندگان و رای کارشناسان استان‌های برتر گردشگری ایران شناسانده خواهند شد.

مانداگارانا دژی ۶۰۰۰ ساله در مرن



سینود جم: مرن شهری تاریخی با پیشینه‌ای کهن و از شهرهای بزرگ استان آذربایجان شرقی است. این شهر در ۶۵ کیلومتری شمال باختری (غرب) تبریز و در محور ارتباطی اروپا و آسیای میانه جای گرفته است. تاریخ‌نویسانی مانند هرودوت و گزنفون، از مرن با نام مانداگارانا یاد کرده‌اند و استرابون آن را موروندا خوانده است. مرن در روزگار مادها رونق بسیاری داشته و روزگاری مرکز فرمانروایی تیره‌های مهمی در روزگار کلد و آشور بوده است. این شهر با جمعیتی بیش از ۱۵۰ هزار تن (سال ۱۳۹۵ خورشیدی) و ۲۸ کیلومتر مربع گستردگی، سومین شهر پرجمعیت و دومین شهر بزرگ استان آذربایجان شرقی است. بطلمیوس، جغرافی‌دان یونانی پیش از میلاد، از این شهر به نام «مانداگار» نام برده و آن را یکی از آبادترین شهرها در تاریخ خوانده است. در گزارش‌های باستانی ارمنی‌ها آمده است که نوح در مرن به خاک سپرده شده و واژه‌ی مرن از واژه‌ی ارمنی به چم (معنی) تدفین گرفته شده است. در گزارش دیگری مرن را برگرفته از «مادوند» یا «مارند» به چم جای زندگی مادها دانسته‌اند. بر پایه‌ی آنچه از شهری‌گری (تتمدن) اورارتویی به دست آمده است پیشینه‌ی شهرنشینی در مرن به میانه‌ی هزاره‌ی سوم پیش از میلاد می‌رسد که البته در تهیه‌ی باستانی «گرگر»، طرف‌های سفالی و

ویژگی‌های دژ مانداگارانی مرن:

۱. آسانی رفت‌وآمد (مواردی چون سختی راه، وسایل رفت‌وآمد، فاصله‌ی جاذبه‌ی گردشگری تا نزدیک‌ترین شهری که دست‌کم بیش از ۱۰۰ هزار تن جمعیت دارد باید نوشته شود): این دژ در شمال شهرستان مرن با جمعیتی نزدیک به ۱۶۰ هزارتن جای دارد؛
۲. دیرینگی: پیشینه‌ی ساخت این دژ باستانی دست‌کم به ۶۰۰۰ سال پیش می‌رسد؛
۳. شمار بازدیدکننده‌ها: هرساله شمار بسیاری به‌ویژه گردشگران استانی از این شهر بازدید می‌کنند؛
۴. ثبت ملی: شده است؛
۵. ثبت جهانی: نشده است؛
۶. شگفتی؛
۷. دست‌نخورده‌گی (بکر بودن): افزون بر ویرانه‌هایی که در درازای زمان در این یادمان تاریخی روی داده است، پیرامون تپه‌ی خاکستری خاک‌برداری شده و این تپه‌ی بلند اکنون به شکل گودال درآمده است. همچنین نزدیک کول تپه کوره‌ی آجرپزی جای دارد و بخشی از این خاک‌برداری برای کف کوره بوده است؛
۸. سوغاتی‌ها: مرن یکی از کانون‌های برجسته‌ی قالی‌بافی در کشور است. در شهر مرن و دیگر شهرها و روستاهای پیرامون آن، کارگاه‌های بزرگ و کوچک بافت قالی و قالیچه، گلیم و خورجین دایر است. قالی‌ها و قالیچه‌های ارزشمند بافت مرن و روستاهای آن از بهترین سوغاتی‌های این شهر است که نه‌تنها در ایران شناخته شده است بلکه آوازه‌ی جهانی بسیار دارد و به دیگر کشورها فرستاده می‌شود. همچنین سبدافی، فانوسکافی، سفال‌گری و سرامیک‌سازی از صنایع دستی و سوغاتی‌های این شهر است؛
۹. ضرب امنیت: ضرب امنیت بالایی دارد؛
۱۰. امکانات رفاهی: در مرن هتل و اقامتگاه‌های گردشگری وجود دارد؛
۱۱. خوراکی‌های بومی ویژه؛



نیک اندیشان

دهش نیک‌اندیشان «امرداد» را در راه فرهنگ ایران توانا می‌سازد. با سیاس از بزرگوارانی که «امرداد» را یاری‌رسان بوده‌اند. پادشای نیک آنان را از درگاه اهورامزدا خواستاریم.

- | | |
|--|--|
| یک تن نیک اندیش برای تندروستی بانو مهن کی‌منش ۵۰۰/۰۰۰ ریال | نامگانه مادر و پدرشان روانشادان همایون یزدانی بیوکی و رستم (آقا) یزدانی بیوکی ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| روانشاد شیرین جمشید زندیان ۵۰۰/۰۰۰ ریال | سرور ارجمند دکتر مهرداد آریامنش ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| سرور ارجمند سهراب یزدانی بیوکی به | سرور ارجمند بابک از گیلان ۵۰۰/۰۰۰ ریال |

یاران همراهی امرداد

هفته‌نامه‌ی امرداد از هنگام بنیادگذاری تاکنون، همواره از پشتیبانی و همیاری خوانندگان، دهشمندان و آگهی‌دهندگان برخوردار بوده است. اکنون نیز، شماری از دلسوزان فرهنگ ایرانی برای پشتیبانی هرچه بیشتر امرداد، بر آن شده‌اند تا هر ماه، با مبلغی امرداد را برای ماندگاری یاری کنند.

- ۱- بانوی ارجمند مهندس مهردخت شهریاری
- ۲- بانوی ارجمند دکتر بهناز فیروزمند
- ۳- بانوی ارجمند مهندس مهناز فیروزمند
- ۴- یک تن نیک‌اندیش به‌یاد دکتر خدایار خسروی
- ۵- سرور ارجمند همایون مهرزاد
- ۶- سرور ارجمند سیاوش
- ۷- بانوی ارجمند تاج‌گوهر خداداد کوچکی (خادم)
- ۸- سرور ارجمند مهدی حاج‌هاشمی
- ۹- بانوی ارجمند فریبا رمدانی
- ۱۰- سالنمای وزین راستی
- ۱۱- بانوی ارجمند فریچهر خسروان
- ۱۲- سرور ارجمند دکتر فرهنگ سلامتی
- ۱۳- بانوی ارجمند سیمین دخت خدادادی
- ۱۴- بانوی ارجمند نگار رنگ‌بست
- ۱۵- بانوی ارجمند مهری رستمی به یاد کیخسرو خداداد رستمی
- ۱۶- بانوی ارجمند عزت جهانگیر بختیاری

خوانندگان گرامی امرداد با توجه به دشواری‌ها و هزینه‌های فزاینده‌ی چاپ، برای ادامه‌ی پیوند با امرداد خواهشمندیم به هموندان (مشترکان) ایمیلی ما پیوندید.
تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۳۳۰

مازیار وجدان ایرانی
وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی. کارشناس ارشد جزا و جرم‌شناسی
ارائه مشاوره و قبول وکالت تفصیلی
مشاوره و قبول دعای حقوقی و کیفری، دعای ملکی و ارث، خانواده‌گی
شهرداری دادگاه انقلاب، دیوان عالی کشور، مصادره اموال، دیوان عدالت اداری
پتکشی‌ها و رازهای کجایی
۷۷۶۵۴۱۰-۰۹۱۲۱۰۷۳۶۶۹

از تاریخ و فرهنگ
جاودان و اهورایی ایران زمین
سخن می‌گوییم
و هر روز تازه می‌شویم:
www.amordadnews.com

پلاستیک‌سازی
دهنادی
تولیدکننده انواع لوله‌های
نازک از ۱/۵ تا ۶۵ میلیمتر
انواع پروفیل‌های گوناگون بلاستیک برای خواسته مستثنی
روکش، سیم بکسل، پروفیل و لوله با پلیمرهای گوناگون
تلفن سفارش: ۰۹۱۲۱۱۸۵۸۸۰ - ۰۹۱۲۵۲۶۱۹۲۳

سالنمای دیواری
۱۳۹۸ خورشیدی
۳۷۵۷ زرتشتی
تلفن سفارش: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۳۳۰